

ترجمت

صاحب استیاز ذکار الملک مدبر مدبر سپه ساسی

هفدهم آوماه فرنگی ۱۹۰۵ میلادی

روزنامه آزاد هفتگی

تجشیه پانزدهم شهر جادی الثانیه پشته جبری

قیمت یک نموده هشتای است نموده سیصد و هفتاد و چهارم

در سایر ولایات داخله سیصد و هزار دینار در تمام روسیه چهار شتا در تمام هندوستان هفت پیر در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصره و فرانک

در داخله طهران طبع میشود جریده علمی و ادبی و سیاسی

سال هشتم

قیمت طبع سطرهای طبعان اگر طبع شود تخفیف قیمت دارد

از یک و هفت پیش یعنی مکاتیب و اخبار با دار و تربیت رسید و جا
برای کج آن نه اشتیم و از آنجا که بیش ازین تاخیر را جایز نمیدانیم
درین نموده از مقاله اصلی صرف نظر کرده و بجای آن رساله عقاید و مکتوبات
در عالم خود ایهت دارد و در پیشیم و مقدم بر جمله مکتوبات قبل است که
جناب حقایق معارف نصاب محترم آقا میرزا علی اکبر ساعت ساز
سفارت سنیه انگلیس مشهور حکیم دامت افاضه که واقعی هموار بکشت
سخن گوید و راه حقانیت پدید میفرموده و با دار و محقق تربیت ایهل
داشتند جناب آقا میرزا علی اکبر را که شش بزرگان دار و خلفه
میشناسند و میدانند که قول آن مرد در دست کار است و گونداست
بفرمایش سران اهل علم حجت از تمام شواهد برتری و از افاضه نفسانی
و اغراض معموله عری و آن بزرگوار از روی حقیقت گوید

خدمت مدبر روشن ضمیر گرامی روزنامه تربیت زحمت میدهند و عرض
میکند مسطورات جریده فیه ... عالی از روی راستی
و بی ثایب خوش آمدگویی بزرگترین وسیله آگاهی و پوشش باری و
بهترین سرمایه سعادت و بختیاری است کاشف رموز تمدن و
تربیت عمومی و مخزن اسرار معارف و حکم خصوصی و از هر طریقه بلکه
بر کمال آن مستفاد معلوم میشود که پوسته طالب آثار اخبار مفیده و
اشاعه آثار خیریه و بیاید و سنگ عدل و انصاف را بسینه میزنید در دفع
جور و اعتداف میکشید شعل نور برای روشن کردن راه است
میدید و خلائق را با ساحت نهایت و حوزه شرافت را به سمانی میکشید

مشوق و محرک نیکو کارید و نوید و مروج خیار و نظرباین منظورات عالی
که بنده با قابل جبارت بینمایم و خبری با دار و تربیت میدهم که با مقتضای
سنیه آن حوزه شریفه مناسب دارد و اگر بایکدیکه حلقه سخن گفت عین
آن مقاصد است

بار ما میخواستیم خاطر مبارک را متذکر سازم و معروض دارم که
تمدن و تربیت مردم مغرب زمین اگر چه امروز بسر حد کمال است و احدی
منکر آن نیست ولی تمدن ایران هم در ازمنه سالها کمتر از آن نبوده
جنس ایرانی در ذات اصل خود گوهری و فطرتی داشته که هر چند فعلا
در حکم غفای مغرب و اکبر اعظم است اما اگر بر حسب تقاضای آن شریعت
پاک و قوی خیال بر دوز و ظهور نماید و پرده از و رای حجاب بیرون آید حلال
نور سازد چشم عالمیان را خیره کرده همه را بحیرت اندازد و از عجزات
پر داری گذشته فی الحقیقه آن در درخشند و چون با مقتضیات ترقی
و تکمیل تصادف کند سعادت را بر مساعادت باشد ایرانی یکدیکه تازم
کرامت است و واسطه عقد شهادت روح تمدن و جد تربیت مغرب
پوشش و دانش شخص بصیرت و بینش سرشتی بزرگی و بزرگوار میثال
گذشت و بر دباری و اگر دلیل این مدعا را بخوانید در سر گذشت این نموده
بدست می آید و آن دایستان این است

سیصد ذرع زمین باض متعلق بصغیری بود که حد آن بزرگوار باض
الانوار مرحوم حاجی شیخ با دی نجم آبادی نورانه مرقده حدی که
بر زمین یکی خود حشر تقریباً بحال قبل روز روشن باطلع محل

در خدمت پس چند محله بپسج این بنده آن سیکه دفع زمین را از قلم
صغیر خرید ببار نمودم و تصرف گشتم چهل چاه روز قبل خبر آوردند
فلان موسوم بید الحید سلطان در آن زمین بنامی مدخل را گله داشته
چون مشار لیس به واسطه صفات و خلاق مخصوص مشهور است قل خود
خواندم و بکلم ضرورت و ناچاری بود وزارت جليلة نظیه بخدمت
کردم شرح گفتم و شنیدند زیاده از آن است که در اوراق شریفه
تربیت گنج بقتل حائل راست آید وزارت نظیه رسیدگی کرد و
وقت و تحقیق پسندیدند اخلاصان مشار لیس معلوم شد که بایستد خبر
و اختیار بود و دخل در عوالم روضه اسرار ناچار بکلمه شرح مظهر
یعنی بجز فتنه زندانی گوهر مجرم حاجی سیخ مادی طالب ثراه که از حال
آن محل کاملاً خبردار است رجوع شد بعبارة اخیری فسر نمودند برافه
برویم مدعی راضی نشد و عاقبت کار بجا که حکومت و تقصای جانبی
میرزا محمد حسین خان موثق المملکت راجع شد معزنی آید که آیت محبت
دعین عدالت است تمحل بر گونه زحمت گردید هزار قلم پرسید در جواب
یک حرف حسابی از مدعی نشنید اخلاصان حقیقت کشف شد و
ماجرای را کاهی بعرض حضور جناب مستطاب اجل اکرم سعید استظنه وزیر
نظیه دام آقا به عالی رسید در درمیدیم وزیر نظیه بعد از ملبی
قال و قبل بخریق حق را خبری داشت دست یار و گوی مقیدی را گویا
گود بند بظلمت آسوده شدم و خواستم برسم معلول اجر زحمت را بنای
ناقابلی بجناب موثق المملکت تقدیم کنم از روی راستی متغیر شد و گفت
بنیوای اخلاق مرا فاسد کنی و بکاری ناشایسته عادت دهی من اگر
موثق المملکت باید حق کنم و خط بطلان بر سر نا حق کشم رضای خدا را
منظور دارم و تکلیف این جانبی و آن جانبی خود را ادا کنم برو که من اهل
تکلف تعارف نیستم و حطام دنیا در نظر من شایان ندارد باری آفرید
بدیه قبول نکرد و من شرمسند ماندم لهذا بر آن شدم که آردا
چنین شخص بزرگواری را با داره تربیت معزنی کنم تا پناؤس نباشید
بدانید بسوزان از این بنای قدیم مانده بدست می آید و ادعای را

ثابت مسناید ثانیاً یاد آوری نمایم که این مرد آراسته مرثی تربیت
جناب مستطاب اجل اکرم وزیر نظیه است حال وزارت جليلة نظیه حال
بین سوال می باشد و میتوانیم بگویم استهسته که ندیدیم دیدیم ثانی
چون امر و زما در ادای مطلب خلافت دارد و این فن شریف منبر بان
وجود مبارک است بندگان عالی را بر آن دارم که قدری بدیج و بی
آن بزرگواران پر دازند و ضمناً تشکر و استنان بنده را هم بطوری لایق
در روز نامه مبارک درج نمایند تا اخبار امیدوار شوند و اشتهار اگرچه
نمایند نخواهند شد اقله بد اند حق و حسابی هم در کار است فقط شرو و شلاق
اسباب مشرفیت
چون بپر گفتم علی الله چند کلمه دیگر هم میگویم و درخواست میکنم که در روز نامه
درج کنید و یقین داشته باشید که خالی از منفعتی نخواهد بود بآی خست
شویخانه و سترج هر دو امری ضروری و طرف حسنیاج طبیعت اسباب
طهارت و نظافت بیت و بلد است جناب مستطاب وزیر نظیه بکفایتی آن
مبادرت نموده اند و با آنکه نمیتوانیم بگویم دیگر کرده اند اما خوب است در
فراهم آوردن اسباب کار این دو امر لازم قدری جعفر مانده بکار انداخت
سعادت و بختی زود تر ظاهر گردد و پیش ازین انتظار کشیم چه زبان حال از
در دیوار می شنوم که میگویند مستظران را لب آمد نفس
مطلب محرم دیگر تربیت پیدا کردن چسرنمای گم شده و اطفال را هم
کرده است و این کار هم چند ان شکالی ندارد یعنی اگر محلی برای بنای
معین شود که بر کس چیزی یا طفلی کم کرد با اطمینان قلب و آسایش خاطر
آن محل رجوع کند و بداند نگشته را میاید بچنین شخصی که گشته را پیدا
کرده همان نقطه برساند و مشتاق خود را دریافت نماید دیگر در وقت عت
در بازار و برزن مادر کوک گشته را میگویند و موسی کنان بایک نفر
جارجی خود میسیم دید و از بر و سینه زدن زن متاثر نخواهیم شد و
جارجی هم مجبور نیست عرض و طول شهر را پایاید و متوسل بجلال زاده
شیر پاک خورده گردد البته خود جناب مستطاب وزیر نظیه
بتر از بنده و شما میداند که بکشد محض درخواست است عا جبارش

شد
جناب
جای
الوصف
طافات
نیکوکار
فردا
رخت
شد
و معلوم
این
هر کس
هو طمان
چندی
در ترقی
دست
نموده
خواهد
احتمال
در این
نباشد
و چه
عاید

شد پیش ازین مجلات یکشم طول دهم
(میرزا علی اکبر ساعت ساز سفارت نظیر شیرعلیم)
(تربیت)

جناب مستطاب اجل اکرم سید ابی طالب وزیر نظریه و ام افکار اعلی
جای خود دارند اما جناب محقق الممالک از شناسائی ایشان زیاد
الوصف ممنوع و عجاایه بایشان ارادت میوزم تا کی شرف
طلاقات بابرکات دست دهد اداره تربیت از مدح و ثناء و انتشار ذکر
نیکوکاران منکر و گذار کرده نخواهد کرد نهایت آنکه امروز موقع نیست
فردا میگوید در ای راکت تکلیف کرده اند بیل و طبیعت میگوید آهسته
رخت شویند در همین ایام چند ورقه طبع شده در آنکه مختلفه ملاحظه
شد و بعد دلیل است که شروع باین کار خیر کرده اند و عقرب مقصود
و مطلوب خود نایل خواهیم شد کی از آن اوراق باین عنوان
این عبارت است

(امور حسیه)

هر کس در معاونت باین امر و اطلبانه برای حفظ نوع و رعایت احوال
هموطنان زود تر اقدام کرد و قدم پیش نهاد گوی بقت بود
چندی قبل شرح اعلان عموم انالی را از خیالات عالی و اوامر مقتضی
در ترتیب بنای رخت شویند استحضار داشت و حسب الامر بموجب
دستور العمل مجلس حفظ نسخه از چندین نقشه طرح مختصری انتخاب برجا
نموده کمی در جنب او در نظریه نباشد و در چندین نقطه دیگر هم خسته
خواهد شد چنانکه حالا در پسر محل دروازه دولاب بنای رخت شویند
اهمیت لزوم این فسخه در هر شهری بر انالی و اخترا آن است که
در این اعلان مستند گردد

. و از حیث لزوم اگر از شرایط اولیه زندگان
نباشد میتوان گفت دویم شرط زندگانی است پس چه موقع در نک است
و چه وقت خود داری خیرات و مبرات ازین بزرگتر چه چیز است که هم
عابد هموطنان و فقرا و ضعیفا میشود و هم خود شخص باین شیوه حاصل

میکنند و احدی محبور نیست که در عانت و معاونت فوق طاقت وکیل و غیرت
چیزی تحمل شود هر کس بر اندازد که در دست و وجه خانه خود را بهیم و دیگر
نماید احسان در دنیا و آخرت لافند و لایحه می است

مستما از بزرگان مملکت و محترمین انتظار هست که طوری مساعدت فرمایند
که رعایت حال فقرا و ضعیفا که بهیچ وجه در معاونت طرف انتظار نیستند
شده باشد و بر او یاری بر مانی واجب است که خودشان ترقی در جمع آوری
وجه خانه داده که انشاء الله زود تحصیل مقصود نایل شویم و در این فصل که
موقع بنائی است کاری از پیش بریم و همین که در هر محله چند رختشویند
مرتب شد کم کم شروع بترتیب پوشانیدن پهنه ها و تصفیه آنها و یا
لوازم زندگانی بکنیم و امید داریم در ظل رافت و مرحمت بندگان
اعلی حضرت اقدس پسر بایون شایسته ای آرد و اخاف اء چند می گذرد
که شرایط زندگانی هم در این شهر از هر جهت فراهم گردد

(سید ابی طالب فتح الله طباطبائی)

در ورقه دیگر که (وزارت جلیه نظریه) عنوان دارد میگوید
(اداره کل حفظ نسخه و تنظیمات شهر طهران)

باقضای اراده سینه ملوکانه از و خاف اء امر و مقرر است که وزارت
جلیه نظریه برای رفع کثافات آبها و تنظیمات در آن خلافت طهران جدا اعداد
لازمه و استقامت کافی بعمل بیاورد که اندام من سلامت ذات ملوکاتی صفات
اعلی حضرت قدر قدرت اقدس شهر یاری آرد و اخاف اء بد و اشرار
بساخن رخت شویند نامی عمومی شده است از عموم محترمین با محبت
این شهر خواش میشود که هر کس بقت در امکان در این کار خیر سهیم
شریک بشوند که انشاء الله جلوسری از بعضی امراض مسریه هم بشود
بعد از اتمام و انجام تنظیمات شهر حساب مخارج و مصارف آن کلیه
اعلان و توزیع خواهد شد

ورقه دیگری عنوان است و ورقه باین شرح

آبسته خاطر شریف مستحضار است که اراده سینه اعلی حضرت
اقدس قدر قدرت شهر یاری آرد و اخاف اء چنان قصاص فرموده است

که محض رفع کثافات آبها و نظیفات شهر موجب تصویب مجلس خطا نصحت
لهم ان از طرف وزارت جلیله نظمی اقدامات لازم بعمل بیاید لهذا
بخیری که بدو منظور و پیشتر در فاه حال عموم شهر در آن محوطه
بنای رخت شویخانه نامی محلات است که بهت محترمین با بهت این شهر
اشروع با حق آمانده است و اینک و قراعه آن را از سال
خدمت فی جلات نمود امیدوارم در این امر خیر بهیم و شریک قبول
آن مستی بر اهل وطن خواهد گذاشت اجباری هم در این ضرورت
البته هر قدر در این امر خیر التفاتی بعصر مایند در نزد خداوند تبارک
و تعالی منظور خواهد بود

(سعید السلطنه فتح الله طباطبائی)

بعضی اخبار دیگر باز از وزارت جلیله نظمیته داریم اما حفظ تناسب
برای نمره نامی بعد میگذاریم

(کردستان)

یک ماه قبل از خبرهای شته خبرهای خوش در باب مزایای حکمرانی
کردستان با داره تربیت رسید و ما روح و خلاصه آن را در روزنامه
نمره سیصد و هفتاد و دویم درج کردیم و آن بمنزله بشارتی بود که بآل
مملکت دادیم زیرا که شاهنشاهزادگان با فستوشان مافی الحقیقه مالکان
از تهر امورند و صاحبان اختیار مطلق و مدار کارهای بزرگ و قصد
دیت آنها در امور مملکت و ملت کمال مدخلیت را دارد و چنانکه شاهنشاهزادگان
مثل حضرت مستطاب ارفع الله پس معظم والا سار الله و له حکمران
ایالت جلیله کردستان و مضافات است شونکه بهت فرموده و تم
جلال اعمال و اصلاح مفاسد و رعایت جانب رعایا و تفقد حال ابنا
وطن عزیز نگاشته اند باید همه فرزند بشیم و شاد می کنیم که این غنچه
درخت برومندهای زیاده می دهد و خیرهای کثیر میرساند و فواید
وجود با جود او شامل و عاید خاص و عام و دور و نزدیک میگردد
بهت قبل از شرمی با تصدیقه غرا از تاج افکار معالی آثار جناب
مستطاب اساد البغار و افصح شعرا دانسته بارع گویند

لیب حاج میرزا مجید کردستانی متخلص مجیدی ملقب بملک الکلام از
اعضای صحیح حکومت کردستان بارید و نستیم که حرفهای پیش
راست بوده و بی کم و کاست چه تصدیق ملک الکلام تصدیق با و ف
بی غرض می باشد و با بخود احتمال خلاف میدهم و بآن مرد پاک
صاف میدهم

باری تصدیقه فریده را که قریب هفتاد بیت است و ملک الکلام در
تنت تشریف فرمائی حضرت معظم شاهنشاهزاده سالار الدوله حکمرانی
کردستان بظلم آورده و تشریف اشرف میبای و منفرشته بیک
استادان سخن غصری و غصاری گفته و رپستی که این استاد بهام
مقدم بینی ملک الکلام داد سخن پس را می را مثل همیشه درین چکاره معسر
شماره داده و با چندیستی از آن را برای نمونه در اینجا درج میکنیم تا جان
ذوق ادب را بحالت طرب آیم میفرمایند
زهی که گشت جهان خرم از برید شمال

چنانکه خاطر عشاق از نوید وصال
گرفت موبک اردی بهت روی زمین
که شد جنبیه کش او برید باد شمال
زاعتدال هوای برین عظم ریم
دمد ز خاک و دهر برگ و بار همچو نال
رسیده است بدان بجزات باد صبا
که روح در دند اندر جوارح تمثال
زبس منسوده طراوت بطبعها که چکد
ز روی سیمبران چو قطر نقطه خال
جهان شده است چنان دگشا که ضو
زباغ خسلد چو زندانیان گرفته طال
ز نفس نامیه ننگینت اگر بجای فلوس
در دون آب و دگر برگ گل زمای و ال
عجب مدار که زنده شود چو ماهی خنجر

ز برگ بید قد عکس اگر در آب زلال
نظاره بکشد که مشاهده حیران
کسی ندارد کاری بکارگاه خیال
ز آب و سیمه زمین هیچ بحر موج زن آ
نموده بود اندر روی از جاب تلال
فرو گرفت در دشت موج سبز و آب
چنانکه دامن خود بر کمر زدند جبال
شکوفه پیم بر افتاد و غنچه خورده ز
پی نثار قدوم جان جاه و جلال
پستوده پور ششاه حضرت سالار
که روزگار مرا در اندیده است تال
جانب اوست زیارت که وضع و شریف
عطای اوست و لیست نادر جال
بساط شمت اوست عالمی که در او
سپهر جای نیاید مگر بصفت نعال
نفاذ امر وی اندر بسیط خاک بود
چو حکم آب روان در منافذ غراب
شراره غضبش گر سپید بر یابار
بر آید از دل دریا صدف بخت نکال
فلک جنابا در عهد عدل تو گیتی
چنان شد این کاندز کنسار ماطال
ستم عدل تو بر تافت رخ که یک مدی
بجمله شکند قلب صد سیه و جال
ز بهر داد و دهش شخص تست او لیر
از آن خجسته الف کو بود میان دوال
خدا یگانا ایرانیا نهمه دانند
که با فصاحت سبحان فتنه تر از چل سال

تایش بر تاجدار و جبهه تو ام
شده است فرد زبان با لفظ و الاصل
پس از خدای چو غیر از تو ام پناهی نیست
ناید از تو نهضتن مرا حقیقت حال
بحرم آنکه مرا بایه دانش و هنر است
سپهر دار و دامن سر نزاع و جدال
ز نعلی که مرا در او بود مرا یک روز
بشهر خود گذارد ز غصه فارغال
عجب نباشد اگر چرخ قدر من نثاخت
که نزد سفله چه رخسند که گهری پخال
بر این عشره میتم اکنون که زین دیار روم
ملک دیگر با جمله بستگان عیال
بر آنچه قرعه زدم از برای بهجت خویش
مرا بجز عشره که بر نیامد فال
و لم بجانب بطایهی کشد که بود
مرا مجاورت کعبه غایت آمال
براه کعبه اگر پای من بعسر ساید
هسی بیلو غلظم چو قسته عدال
(مجدی ۱۳۲۲)

اما سفر که جناب ملک الکلام آن است که در حضرت شایسته برادر است
شو که بنده کمر بند و عهد دل خلی را بجای طاعت این است
و عبادت جز این نیست و از ترنما که در مقدمه این قصیده آن جناب
بنده نوشته این است
بشارت میدهم که در روی درویش کائنات که برگزیده است چو خضر خسته
بود عجب که آب بقا جوشد از سراب نزول اجلال بندگان
حضرت مستطاب اسعد منیع اقدس الا شایسته برادر معظم آقا
سالار الدوله دامت شوکت که در پستان است که نوید پیا بر آید

تبدیل نموده و مجری تشریف فرمائی امور ملک و دین را بر وجه حسن که در هر عصر نظیر آن را ندیده ام تثبیت داده و تائیس در پیرامون سنج و وجه تسمیه و الامت فرموده اند آبروش توفیق و بقا داد و دیگران مستطراش شاع عدل و احسان از عبارات قدوم میباش

(اخبار زمان)

در پس بطرز بون و زرا مجلس شورای تریب داده و مجلس متعدد منعقد گشته و گفتگو پرداخته در بعضی از این انجمنها علیحضرت امیراطور هم شرف حضور عایت فرموده اند در یکی از بلاد قضا کارگرانی که تعطیل نموده بودند بیک دسته قزاق شلیک کرده و کثیر از آنها را کشته و زخمی بایشان شلیک نموده بی ضرر مقتول و بیهوش و در فقر و محروم گردید در شرف کارگران دست از کار کشیده و تجارت خوابیده است این جماعت هم با پیش زد و خورد نموده و در نفس از ایشان براه عدم رفته در نزدیکی و در شود و هزار نفر از قشون ذخیره روس بواسطه بقوت و کالین و همانخانه مارا عارت کرده و یک نفر پس در شلیک شده درین شهر فتنه ای است و قتل نفس در کار میباشد و ترتیب پیش هم بکلی منحل گشته از قسارند کارگران بطرز بون و بوسه تعطیل گشتی که در کارشان میشود بی اندازه پریشان شده و چندین خانه از ساکن خود دور افتاده زیر آسمان میخوابند

بازار مکاره فستاح شده و کن شمشیر بی نوک و در این بازار در آنجا و ایر میشود خالی و مغازه مایه است دولت روس در منع شاعه اینجا جمع میکنند و یکی از روزنامه های معتبر را دو ماه توقیف کرده شورای و در پس بطرز بون و شکل انجمن قتی و ترتیب انتخاب اجزای آن را تصدیق نموده مقرر است که هر کس زیاده از بیت پنج سال عمر دارد و شرط مالیات دادن در آن جمع میباشد حق رای دادن در انتخاب اجزا داشته باشد و هر ولایتی با نظام بیت شهر از بلاد بزرگ محلی بیت انتخاب تشکیل دهند و آن مجمع مبعوثین قتی را انتخاب نمایند و نمایان شخصه را

دارند نماینده های ایشان در محکمی مذکور توسط انجمنهای بلوکات منتخب میشوند و اجزای انجمنهای بلوکات هم توسط مجعهای نواحی انتخاب میگردد قرار شده علیحضرت امیراطور بجهت تخم عمل انجمن قتی در مجلس و زرا حاضر شوند ولی احتمال سیه و تغییر در وضع داده نشود بعضی را حقیقت این است که در اول ماه اکتبر انتخاب اجزا میشود و در اول ماه نوامبر مجلس منعقد میگردد و این مجلس خصوصی است ولی وقایع نگارهای روزنامه ها اجازه حضور یافتن دارند و اجزای مجلس روزی یک بار خواهند گرفت اگرچه شورای مذکور کلیه برخلاف میل استبداد طلبان روسیه شد و کن در چند نوبت مخصوصا حکما مخالف میل ایشان داده شد مخالفت با مرکز کرده از جمله قسار دادند که هر یکی را که دو وقت اجزای انجمن قتی را کنند و دیگر بطرز علیحضرت امیراطور زن نشاند و اگر یکی را بعضی اجزای انجمن قبول کردند و برخی که کمتر از دو وقت باشند و نمودند اختلاف آرا را بطرز علیحضرت رسانند تا امر را فصل دهد و این قسار در اول قدمی است که در راه جلوگیری از استبداد برداشته میشود علیحضرت امیراطور هم با آزادی طلبان بسیاری کامل نموده احتمال میرود در بین ایام صورتی از کام مجلس با نظام و دستگیری امیراطور و شرف پیش گفتیم دولت فرانسه رجوع عمل مرکش را با انجمن بین المللی قبول کرد اینک خبر میدهند که دولت مزارا ایها فرست و عادی خود را در اینجا بسفیر المان داده آن عادی حسنه های خفی است و حال کلی میرود که دولت المان قبول و تصدیق کند ولی ممکن است دولت مرکش خیلی ایراد داشته باشد در صورت دولت المان با امور خود در آن حکم داده و گفته است مادی که انجمن بین المللی بر پاست از مرکش منتهی است نخواهد و قبول کند و این حکم را بفرستیم هم اطلاع داده است

که در برتس سردار بزرگ انگلیسی این اوقات باصرار بگوید عبرت و تجاربی که از جنگ ترانوال حاصل شد از نظر مار فقه و فراموش شده قشون انگلیس الآن برای جنگ میانیت مثل اینکه آنوقت هم نبود و فیض دولت انگلیس است که یارهای را عموما تربیت نظامی نماید با سربازی را بر تانکی

در حقیقت اجباری کند و مخصوصاً نبودن صاحب منصب از کارهای بسیار است
و اگر حادثه حادث و تقصیری بیستی مردم و تصور آنها در وطن پرستی است
سنان جنگی فسرانه باز دید جازات مجلس چند پرستشند آوا
روزنامه های انگلیسی خیلی بهرانی بایشان خوش آمد گفتند و پادشاه خود
ازین عقد موافقت ستودند عرض مبارکبا نمودند نماینده حضرت پادشاه
با امیر لاجوردی فسرانه دید و باز دید کرد و نشانها و منصبها بایشان عطا
و مرحمت فرمود و در ضیافتی بسلامتی رئیس جمهوری فرانسه جامی نوشید
و گفت امیدوارم این باز دید روابط فرانسه و انگلیس را محکم کند و برابری
و اتحاد آنها بپوشاند ازین پذیرائی رساند گذشته مردم مجلس پذیرائی
غیر رساند بسیار خوبی از فرانسه نمودند عینی جماعتی کثیر از ایشان بآ
قایم شده بکشتیهای فسرانه آمدند و در مهربانی و خوششایم بنگاه کردند
مقرر المان و وابسته نظامی او هم در یک قایق المانی حاضر بودند چراغی
و آتش بازی فوق العاده بود روزنامه های فسرانه از مهربانی و پذیرائی
دوستانه انگلیسها خیلی تعریف میکنند و میگویند این واقعه همین اظهار دوست
بلکه واقعه بزرگی میباشد دلیل بر اقربا محبتی و نزدیک شدن خبر ما بهم

(اخبار روس و ژاپن)

در غره های من گفتم وزیر مختارهای روس و ژاپن به یوزن آمدن
رسیده بارتن کورانا مور ژاپن چون زودتر رسیده بود با سیو
تا کا میرا وزیر مقیم ژاپن در امریکا بیدن ستر و دولت رئیس جمهوری
اتادونی رفتند یعنی رئیس جمهوری در ایستری که شهر کوچکی ازین ملک
میباشد و در کنار دریای واقع شده اقامت داشت تا مورین بپایان
بآنجا رفتند بارش معظّم ملاقات کرده و بنا خورد و چند روز بعد سیو
دو دولت وزیر مختار روس ببارتن ژاپن وزیر مقیم روس ایستری
بیدن رئیس جمهوری رفتند پس از آن ستر شد و وزیرای مختار
دو بکن دیدنی رسانند ستر و دولت نمایند این کار روز چهارم ماه
جمادی الثانی صورت گرفت و درین مورد ژاپن بسیار ابرو برسانند
داشتند و ستر و دولت وزیر مختار را بیکدیگر معرفی نمود و ایشان

بهرانی بهم دست دادند بعد از آن با ستر و دولت بنا خورد و دولت
ایده جامی بسلامتی پرورد دولت بزرگ یعنی ژاپن و روسی نشید و گفت
من در خیر خواهی عالم نهایت آرزو دارم بزودی صلح عادلانه طبعی
بشود در موقع مرضی وزیر مختار ژاپن ازین مجلس خوش اظهار خوشنود
نمود انگاه وزیر مختار را چاکم مقرر شده بود عازم شهر پرستشند
اتادونی که برای مذاکرات صلح مقرر است شدند و با بخار رسیدند و با
مظفریم به بیستم نتیجه مذاکرات آنها چه میشود

شرایط این مصالحه را به ستر می نیداند و هر کس هر چه میگوید حد پس
قیاس است از جمله درو اشیکتن مذکور شد که ژاپن چهار صد کرویر
انگلیسی غرامت جنگ مطالبه خواهد کرد و خارج کردن و لاد بوشک
از حال نظامی و خود نیزه متهد میشود که بزرگ ارتور را قسقه بندی نماید
نیز مذکور شد که دولت ژاپن با جمال برای این جنگ دوست کرد و
خرج کرده اما معمول این است که غرامت جنگ را بیش از خارج جنگ
مطالبه میکنند

اعتقاد بسیاری این است که این مصالحه واقع نخواهد شد و مردم توکیو
مخصوصاً چنین گمان میکنند و از تخیلی که روسها اظهار می نمایند متعجب
میباشند موبد این اعتقاد اظهار می است که چند روز پیش علیحضرت پیر
روس نموده و نشر نموده که ادای غرامت جنگ تسلیم خاک را قبول نمیکند
کرد و اگر لازم شود جنگ را امتداد خواهیم داد و ما دشمن متهور کرد و سیو
دو دولت وزیر مختار روس هم در آشنای شرافت خود گفته بود شکستنی
که روس خورده چندان جتستی ندارد و ژاپن بسیار آقدر غلبه نموده اند
که روسیه از آنها ترسد و برای اینکه بتوانند شرایط خود را تحمیل نمایند
باید چهار برابر آنچه پیش آمده اند طلب نمایند وضع داخل روس پس هم از
در مصالحه نخواهد داشت چه عوم روسها این جنگ را در محلی دور و بر
وطن بخیر میداند و من اگر چه خود خواص صلح میباشم لکن ژاپن بسیار
باید بداند که صلح برای روسیه و جویید انکر که اگر شرایط را بپایان
روسا بر خورد و نسبت قبول نخواهیم کرد نیز سیو دو دولت اظهار

داشته که روسها و ژاپنها در میدان جنگ معرفت بحال یکدیگر پیدا کرده و امید است که عاقبت کمال دوستی در میان پیدا شود اما باید دید که شرایط مصالحه قابل قبول است یا نه و اگر علیحضرت امپراطور روس پس قبل از اطلاع بر آن شرایط انقضا و مجلس مصالحه را قبول نموده از بابت دوستی با تازونی و استحکام مبانی این دوستی میباشد و اگر نتیجه این واقعه هم فقط همین باشد باز برای روس و تازونی واقعه مهمی بوده است باری دولت روس پس میخواهد با این مناعت کار کند و حال آنکه جسزیره ساخالین هم از دست فرقه و ژاپن برگرده تسلط کامل یافته و البته نمیتواند دست از دعای خود بردارد درین صورت اگر مصالحه واقع شود خالی از غرابت و تعجب نخواهد بود

آثار اسپها در حوالی ولاد یوستک مشغول کار میشدند و کشتی آنها آن بندر را قوروق کرده و مالی آنجا هم بالا جماع مهاجرت مینمایند در سوال سیبری فوق ولاد یوستک و مقابل جزیره ساخالین هم ژاپنها قشون پیاده میکنند و اما عمل این جزیره بکلی گذشته در یکی از بلاد آن موسوم به الکماند روسکی عساکر پرا پیاده شدند و دست نفر از روسها اسیر کردند و با وجود مقاومت شدید ایشان آن محل را گرفتند و قشون روسی درین محل یکت با تالو و چند صد نفر عساکر او طلب بود و هشت عراده توپ داشتند و باقی قوای روس پس راهم در آنجا مقوم نمودند چنانکه کشته ساخلوکی سابقین که عبارت از حاکم و هفتاد نفر صاحب منصب و سه هزار و دویست نفر سرباز بود در آنجا راه رویه تسلیم ژاپنها شدند و ژاپنها درین جزیره حکومتی غیر نظامی برقرار کردند در شمال کره هم ارتباط روسها بواسطه طغیان رود تومان قطع شده و عساکر ژاپنی بطرف اماکن روسها پیش میروند پیش فراوان طرفین بهم وصل میشوند ژنرال لیسینی و یچ با علیحضرت امپراطور روس پس تکرار کرده گفت خبری که روزنامه داده و گفت اند قشون با محصور شده و بی صلح

و ژاپنها نتوانسته اند خود را با تازونیکت کنند و عساکر ما کمالا تردماغ اند و برای هر کاری حاضر هستند و قشون و دوازده سفین روسی را که در پرت آر تور عسکر ق شده بود و ژاپنها از آب سیه و ن آورده غنایب حرکت میدهند و با آنها بر این مسافرت خواهند نمود

(اعلان)

جلد ششم بحار الانوار با کمال دقت با حروف نربی و از هر جهت ممتاز بحلیه طبع رسید بهیر اتمی کاشته شده محرم رجوع یکنه قیمت جلدی چهار تومان اما در باب این کتاب بنصاب و ساعی جمیده بانی ما را متعالا است که فردا بعد نوشته خواهد شد

(اعلان)

طبیعی لاجورد خیزی اعلی را برادرهای گولیس (Goerlitz) خرید میکنند

ایدار (Idar) Collemagne

(ایضا اعلان)

جناب معالی نصاب مخم میرزا بهار الدین خان نواده مرحوم ذوالکریمن بعدانی که پدر نهران آبش نر مقلب بهین لقب بود و از جوانان دانشمند عاقل آراسته مملکت است و زبان انگلیسی را بحال میداند این اوقات فاضل معزنی الیه زمانی معنی حکایتی از نظمیں بغاری ترجمه کرده که از هر جهت مستیاز دارد و الحی و داستانی شیرین و رنگین و دلکش است و محتوی بر حقایق بسیار و وقایع قیام و آن فردانی بسی و اہتمام جناب رفعت نصاب آقا شیخ محمد حسن ماجر کا بغروش خوانساری بحلیه طبع محلی گشته در تیجه حاجب الدوله در حجره جناب شرایب فرودش میرسد قیمت با جلد هفت هزار

(ایضا اعلان)

چنانکه پیش تقدیم خبر و اعلانات بقیه وصول درج میشود و ترک نخواهد شد